

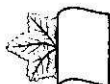
۱-
جل
۱۶۰
نفر

دَه یار بهشتی

تحقیق جامع دس باره حدیث عشره مبشره
در منابع اہل سنت

تحقیق و تألیف:

محمد عباس عطائی اصفهانی



انتشارات ارباب اندیشه

فهرست نویسی پیش از انتشار کتاب کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	: عطائی اصفهانی، محمد، عباس، ۱۳۷۷.
عنوان و نام پدیدآور	: ده یار بهشتی: تحقیقی جامع درباره حدیث عباسی، منتشره در منابع اهل سنت/ تحقیق و تألیف محمد عباس عطائی اصفهانی.
مشخصات نشر	: قم: ارباب اندیشه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.، ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: ISBN : 978-600-94803-0-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۵۳]-۱۵۹.
عنوان دیگر	: تحقیقی جامع درباره حدیث عشره مبشره در منابع اهل سنت.
موضوع	: صحابه -- احادیث اهل سنت
موضوع	: شیعه -- دفاعیه ها و ردیه ها
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۲۸/۶/ع۶د۹ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۵۶۰۳۴

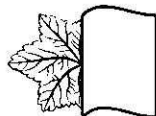
www.ketabo.ir

ده یار بهشتی

تألیف: امام دربارہ حداد

عشرہ مبشرہ

در منابع اہل سنت



انتشارات ارباب اندیشه

شناسنامه کتاب

وبسایت: www.ketab.ir

■ عنوان کتاب: ۵۵ یار بهشتی (تحقیق جامع در اُردو حدیث عشره مبشره در منابع اهل سنت)

■ تحقیق و تألیف: محمد عباس عطانی اصفهانی

■ ویراستار فنی: محمد مقداد عطانی

■ نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳

■ چاپخانه: باران

■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

■ قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۲ - ۰ - ۹۴۸۰۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸ ISBN : 978-600-94803-0-2

همه حقوق برای مؤلف محفوظ است

مراکز فروش قم:

۱- خیابان ارم - جنب مدرسه علمیه آیت‌الله گلپایگانی (ره) - کتابفروشی دارالقرآن الکریم. تلفن: ۳۷۷۰۳۰۷۶ (۰۲۵)

۲- میدان مطهری - کوچه حائری - مقابل بیمارستان آیت‌الله گلپایگانی (ره) - کتابسرای مهدی. تلفن: ۳۶۶۱۳۹۷۰ (۰۲۵)

۳- خیابان معلم - نیش کوچه ۱۷ - پلاک ۳ - فروشگاه دپاتوق کتاب فردا. تلفن: ۳۷۸۲۰۹۶۹ (۰۲۵)

فروش اینترنتی کتاب: سایت دپاتوق کتاب فردا به آدرس: www.bookroom.ir

دفتر مرکزی: قم - خیابان اراک - روبروی پل آهنجی - کوچه شهید عراقی (آبشار) - کوچه شهید عبدالهی - پلاک ۹۲ - طبقه همکف.

تلفن: ۳۶۵۰۰۴۰۳ (۰۲۵) - ۰۹۱۲ ۷۵۴ ۴۶۹۷

E-mail : arbabeandisheh@gmail.com

ارتباط با انتشارات:

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۶	 سخنی دربارهٔ صحابه
۱۷	 علت تبعیت اهل تسنن از صحابه
۱۹	 نقی و اثبات عدالت صحابه از دیدگاه اهل تسنن
۱۹	 الف - اثبات عدالت صحابه
۲۰	 ب - نقی عدالت صحابه
۲۱	 عملکرد صحابه بعد از پیامبر
۲۴	 حاصل کلام

فصل اول

نقل‌های متفاوت روایت «عشره مبشره»

در کتب اهل سنت

۳۱	 پیش‌گفتار
۳۴	 نقل‌های متفاوت روایت «عشره مبشره»

فصل دوم

بررسی روایت «عشره مبشره» از دیدگاه علم شناخت حدیث

۴۹	پیش گفتار
۴۹	- مختصری از راههای شناخت حدیث صحیح
۵۲	جهت اول: بررسی روایت عشره مبشره از لحاظ تاریخ صدور
۵۴	جهت دوم: بررسی روایت عشره مبشره از حیث سند
۵۷	- برخی از شرایط قبایل خود واحد از دیدگاه اهل سنت
۶۰	جهت سوم: بررسی روایت عشره مبشره از حیث متن
۶۱	نکات قابل دقت متن نقل‌مندی منقطع (سه گانه)
۷۳	جمع بندی کلی از بررسی متن‌های این روایت
۷۶	جهت چهارم: بررسی روایت عشره مبشره از حیث فصاحت و بلاغت
۷۸	جهت پنجم: ارزیابی عملکرد افراد نامبرده در روایت سربلین زبان
۷۹	حاصل کلام و تعجب از علمای اهل سنت
۸۰	نقل یک روایت دیگر از زبان عایشه
۸۱	نکات قابل دقت در نقل عایشه (ابی‌ذر)
۸۲	اهداف جاعل از جعل این حدیث
۸۳	نتیجه کلام از نقل عایشه
۸۴	فرو ریختن ساختمان سربه فلک کشیده عشره مبشره
۸۶	سعد بن ابی وقاص و نقض خبر عشره مبشره
۸۷	آشکار شدن دروغ و تهمت ابن تیمیه
۹۰	دعای عشرات

فصل سوم

اهل بهشت به بیان قرآن و سنت نبوی

پیش گفتار	۹۵
اهل بهشت به بیان قرآن	۹۶
اهل بهشت و جهنم به بیان رسول خدا ﷺ	۹۸
حاصل کلام از این چهار حدیث صحیح	۱۰۰

فصل چهارم

دستور معاویه به جعل اخبار

بر فضائل و مناقب ابوبکر و عمر و...

دستور العمل معاویه درباره جعل اخبار و احادیث نبوی	۱۰۵
نکات بسیار مهم این دستور العمل معاویه	۱۰۶
فرمان معاویه درباره جعل اخبار بدگویی نسبت به علی علیه السلام	۱۰۷
نکات قابل دقت در این فرمان معاویه	۱۰۸
علت فرمان معاویه به جعل اخبار	۱۰۸
حاصل کلام	۱۱۰
- جعل روایت «عشره مبشره» در مقابل روایت «الجنة مشتاقه الى اربعة من امتي»	۱۱۰
نکات بسیار مهم و قابل دقت این روایت	۱۱۴
نمونه هایی از جعل اخبار به دستور معاویه	۱۱۶
نکات قابل دقت درباره اخبار جعلی	۱۲۲

فصل پنجم

مناظرات و ردیه‌های مهم در پاسخ به

روایت «عشره مبشره»

- مناظره حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام با طلحه و زبیر درباره روایت عشره مبشره ۱۲۷
- رد روایت عشره مبشره توسط مأمون عباسی در مجلس مناظره ۱۲۹
- رد روایت عشره مبشره در مناظره عالم شیعه و عالم سنی در حضور ملک‌شاه سلجوقی ۱۳۱
- استدلال سید بن طاووس در رد روایت عشره مبشره ۱۳۹
- اجمالی از بیان علامه ابن کثیر رحمته الله در رد روایت عشره مبشره ۱۴۲
- کتابنامه ۱۵۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى
خَيْرِ خَلْقٍ مَرَّاشَرَفٍ بِرَيْتِهِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَ
الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُصَوِّمِينَ لَا سِيَّمَا
بَقِيَّتِهِمُ الْحُجَّةَ الثَّانِي عَشَرَ الْمُهَذَّبَةَ الْمُنْتَظَرَةَ
عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ آمِينَ يَا رَبَّ
العالمين.

اما بعد : روایت «عَشْرَةُ مُبَشَّرَةٍ» یا به تعبیر برخی از فارسی زبانان اهل سنت «دَه یار بهشتی» - به معنای ده نفری که پیامبر اسلام ﷺ به آنها بشارت بهشت داده است، یعنی: ابوبکر، عمر، عثمان، علی علیه السلام، طلحه، زبیر، عبدالرحمن بن عوف، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید و ابو عبیده جراح و... - از جمله روایاتی است که هر انسان علاقه مند به آگاهی از تاریخ صدر اسلام را به تعجب وامی دارد؛

- از یکسو انسان به خنده می افتد که چگونه ممکن است افرادی که در

تاریخ زندگی خود به جنگ و جدال و قتال در برابر هم ایستاده‌اند و باعث و بانی قتل هزاران نفر شده‌اند و به نوعی جمع اضداد به حساب می‌آیند؛ همگی با هم به بهشت روند!!

و از سوی دیگر تأسف می‌خورد وقتی می‌بیند چه کسانی بدون توجه به کنه قضایا، این روایت را تکرار و به آن استناد کرده یا می‌کنند.

— از یک سو رغبت هر محقق و دانش پژوه منصف، به تحقیق بیشتر در این زمینه مدام کمرنگ‌تر شده و حوصله وی را سر می‌برد؛ چرا که نتیجه «أظهر من الشمس» است؛

و از سوی دیگر وقتی انسان می‌بیند تبلیغات سوء — که یا از جهالت و تعصب غیر منطقی گروهی از مسلمانان مشت می‌گیرد، و یا از روی غرض‌ورزی و مخالفت عمدی با اهل بیت عسالت و طهارت علیه السلام ابراز می‌شود — باعث انحراف و گمراهی افراد بی‌اطلاع از تاریخ شده و می‌شود؛ لذا وجدان باطنی و روح ایمانی و اعتقادی او تحریک و تهییج می‌شود که در جهت احقاق حق و هدایت و ارشاد افراد بی‌اطلاع، کاری که از دستش برمی‌آید انجام دهد.

هر مسلمان آگاه و واقع بین به خوبی می‌داند که جهان اسلام اکنون بیش از هر زمان دیگری نیازمند اتحاد و انسجام است تا بتواند در برابر تهاجمات روز افزون و دهشتناک دنیای غرب و صهیونیسم به اسلام و مسلمانان که به انواع راهها و روشها صورت می‌گیرد، مقابله کند.

ما نیز بر این حقیقت واقفیم و خوب می‌دانیم که با تکیه بر اشتراکات، شیعه و سنی همان طور که در گذشته در کنار هم زندگی می‌کردند و با سعه صدر اختلافات عقیدتی فیما بین را رتق و فتق می‌کردند، اکنون نیز می‌توانند با هوشیاری کامل در برابر آسیب‌های جدی که دشمنان اسلام بر پیکره اسلام وارد می‌کنند بایستند و در جهت اعتلای کلمه توحید و اخلاق حسنه در جهان کنونی کوشش کنند و زندگی سعادت‌مندانه داشته باشند. یعنی عقلانی و منطقی نیست که در فضای رعب و وحشت و قتل و غارت هم‌نوعان مسلمان، ما نیز کشتن اختلاف را شعله‌ور سازیم و بر طبل جدایی تفرقه بکوبیم.

اما در این میان گاهی نواهایی از سوی فرقه‌های وهابیت و مخالفین قرآن و عترت، علیه شیعیان اثنی عشری به گوش می‌رسد که دقیقاً مطابق با خواسته‌های دشمنان اسلام، و در حقیقت به تحریک و تسریع آنان، صورت می‌گیرد، و در رسانه‌های سنتی و مدرن (همچون شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی) منتشر می‌شوند. که به عنوان مثال می‌توان به همین خبر «عشره مبشره» اشاره کرد که آنان می‌گویند:

پیامبر اکرم (ص) به ده نفر از صحابه خود بشارت بهشت داده است که به «عشره مبشره» معروف شده‌اند، و لذا چون این صحابه اهل بهشتند، پس همه اعمال آنها صحیح است و به اصطلاح برای اعمال خود اجتهاد کرده‌اند، و یا اینکه خداوند آنها را به خاطر خدماتشان به اسلام، در

نهایت بخشیده است و آنها را وارد بهشت می‌کند.
 فلذا هر نوع ایراد، اشکال، انتقاد و یا طعن به آنها جایز نیست و باید جلوی
 آن گرفته شود.

و نیز در لفافهٔ این دفاع بیجا و بی‌مورد از صحابه، به خود جرئت می‌دهند
 تا هر گونه توهین و جسارت را نثار پیروان قرآن و عترت طاهره یعنی
 شیعیان مرده و حتی آنان را بدعت گذار و مشرک قلمداد کنند!!

آری هدف آنان، طرح این گونه مسائل واهی و بی‌پایه در جامعهٔ
 اسلامی به هر قصد و عزم باشد، نهایتاً در دل جوانان و افراد بی‌خبر از
 تاریخ شک و تردید ایجاد خواهد کرد و آنها را به اصطلاح «از اصل دین
 گریزان خواهد نمود» و...

اکنون با توجه به وجود چنین هجمه‌های تبلیغاتی و تفرقه‌افکنی به پیروان
 قرآن و عترت، وظیفهٔ علما و محققان دین پژوه چیست؟

— آیا می‌توان در برابر چنین مسائلی بی‌تفاوت نشست و سکوت کرد؟
 — آیا اگر افراد بی‌اطلاع از تاریخ اسلام، به خصوص برخی از دانشجویان
 عزیزی که این مسائل در حیطهٔ تخصصی آنها نیست، دست به دامن
 محققان علوم اسلامی شوند و پاسخی مناسب طلب کنند، می‌توان طفره
 رفت؟

— آیا راهی جز پاسخگویی منطقی و به دور از تعصب وجود دارد؟

با این توصیفات اینجانب در سال ۱۳۸۷ کتابی را تحت عنوان «افسانهٔ عشرهٔ مبشره» در پاسخ به همین شبهه و کتابی که به بهانهٔ معرفی «عشرهٔ مبشره»، توهین‌ها و جسارت‌هایی را نثار پیروان قرآن و عترت کرده بود، به رشتهٔ تحریر در آوردم که در سال ۱۳۹۲ نیز با اندک اصلاحاتی تجدید چاپ شد؛

مع الوصف برخی از اساتید و پژوهشگران محترم پیشنهاد کردند از آنجا که فصل اول کتاب، یک موضوع علمی و تخصصی است، بهتر است به صورت مجزا و مستقل چاپ شود. حقیر هم پیشنهاد خالصانهٔ آن عزیزان را ارج نهاده و پذیرفتم.

پس از تصمیم به این کار بر آن شدم که موضوع را با تحقیق و تتبع افزون‌تر در منابع و مصادر معتبر اهل سنت پی‌گیری نمودم و ماحصل آن را به انضمام مطالبی پیرامون علل و انگیزه‌های جعل این گونهٔ احادیث و نیز مطالبی دیگر در این زمینه، به طور مستقل در این کتاب بیاورم تا دیگر جایی برای اشکال باقی نماند.

بنابراین باید گفت این دو کتاب («افسانهٔ عشرهٔ مبشره» و «ده یار بهشتی») در حقیقت مکمل یکدیگرند؛

در کتاب اول بیشتر حجم کتاب را به ارزیابی عملکرد افراد مذکور در خبر اختصاص داده‌ایم؛ یعنی فرض کرده‌ایم اگر این خبر از هر جهت صحیح و قابل استناد بود و هیچ ایراد و اشکالی نداشت، آیا تمامی افراد

نامبرده در خبر از حیث رفتار و کردار و گفتار، صلاحیت و شایستگی بهشت را با استناد به آیات قرآن و روایات مندرج در منابع معتبر اهل تسنن دارند یا خیر؟

و در این کتاب به بررسی خبر مذکور از بعد حدیث شناسی پرداخته‌ایم.

سخنی درباره صحابه:

افرادی که نام آنها در خبر «عشرة مبشرة» ذکر شده، همه جزء صحابه رسول الله ﷺ هستند. صحابه پیامبر از جایگاه خاصی در نزد مسلمانان برخوردارند؛ چون دینی مجس اسلام در وهله نخست از طریق فعالیت مسلمانان نخستین نشر و توسعه یافت.

اما اینکه همه صحابه را، که مورخان عدد آنها را بیش از ۱۲۰ هزار نفر نوشته‌اند، از نظر جایگاه و شأن و منزلت در اسلام در نزد رسول خدا ﷺ یکی بدانیم؛ از دیدگاه کتاب، سنت، عقل و اجماع مردود و محکوم به بطلان است؛ زیرا در بین اصحاب افرادی مانند: سلمان فارسی - که از اهل بیت شمرده شده -، اباذر غفاری، مقداد بن اسود و عمار یاسر حضور داشته‌اند،

کما اینکه در بین آنان افراد فاسد، فاسق، ظالم، منافق، جنایتکار، و ... نیز بوده‌اند؛

پس به حکم خدا، رسول و عقل و منطق صحیح نمی‌توان همه آنان را یکسان شمرد و در یک مقام و منزلت دانست.

— علت تبعیت اهل تسنن از صحابه:

بی شک پس از جریان غدیر خم و رحلت پیامبر اسلام ﷺ، پایگاه اصلی مسلمانان برای رتق و فتق امور سیاسی و اجتماعی، صحابه عظام بوده‌اند.

در آن زمان جامعه اسلامی به دو بخش عمده تقسیم شد؛ عده‌ای به علی بن ابی طالب علیه السلام روی آوردند تا به وصیت پیامبرشان جامعه عمل پیوندانند،

و عده‌ای نیز به بیعت با ابوبکر بن ابی قحافه صحابی دیگر — که در فضای ملتهد و متشنج بعد از رحلت پیامبر از سوی برخی افراد به عنوان جانشین پیامبر معرفی شده بود — وادار گشتند^۱

طبیعی است آنانی که با ابوبکر بیعت کردند پس از وی به سراغ نائب و حامی اصلی وی که او را به خلافت رسانده بود یعنی عمر بن خطاب بروند. و پس از عمر بن خطاب با تدبیر و زیرکی و اشاره وی، عثمان بن عفان را که او نیز از صحابه بود انتخاب کنند و با او بیعت کنند.

وقتی حکومت به دست عثمان رسید و مسلمانان در طول ۱۲ سال خلافت وی دیدند چه بر سر اسلام آمد، دیگر بر نتافتند و دست به کار شده و وی را به قتل رساندند.

قطعاً بانی و باعث قتل وی نیز از صحابه بوده‌اند (همچون طلحه و زبیر و

۱- برای توضیحات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به دو کتاب: «شاهدان غدیر شهادت می‌دهند» و «سکوت علی علیه السلام»، فریاد عصمت از تألیفات نگارنده که با استناد به منابع معتبر اهل سنت به طور مفصل به موشکافی این قضایا پرداخته است.

دیگران) و در اینجا بود که این مسئله روشن شد که صحابه بودن به خودی خود افتخار نیست، بلکه اعمال و نیات، ملاک و معیار برتری است. و بالاخره پس از ۲۵ سال به سراغ همدم و مصاحب و منتخب و منتصب حقیقی رسول خدا ﷺ و کسی که فرمود:

«مرا از کتاب خدا پرسید، چون در قرآن آیه‌ای نیست مگر اینکه من می‌دانم در شب نازل شده است یا در روز، در کوه نازل شده است یا در دشت.»^۱

یعنی علی ابن ابی طالب عليه السلام رفتند و دانستند که او تنها کسی است که حق دارد بر این مسند قرار گیرد. و با هجوم به خانه وی و درخواست آنان برای ریاست بر حکومت این امر تحقق یافت.

ولی دیگر کار از کار گذشته بود و جامعه اسلامی از یکپارچگی زمان رسول خدا ﷺ خارج شده بود. تا جایی که فردی هم چون معاویه بن ابی سفیان که از بنی امیه بود و پیامبر مکرر فرموده بود مردم مانع شرکت وی در امر حکومت شوند^۲، توسط عثمان در رأس قدرت قرار گرفته بود، و خارج ساختن او از مصدر حکومت و سلب عنوان کاذب امیر المؤمنین از وی

۱- أنساب الأشراف، بلاذری، ج ۲، ص ۹۹ - طبقات الکبری، ابن سعد، ج ۲، ص ۳۳۸ - تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۴۵، ترجمه علی بن ابی طالب عليه السلام، حدیث ۹۷۸۴ - تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۲۰۳.

۲- در روایات متعددی از زبان رسول خدا ﷺ این گونه آمده است: زمانی که دیدید معاویه پسر ابوسفیان برفراز منبر من خطبه می‌خواند بی درنگ گردن او را بزنید - به قتل برسانید. (أنساب الأشراف، بلاذری، ج ۵، حدیث ۳۶۹، ۳۷۱ و ۳۷۸ - وقعة صفین، منقری، ص ۲۱۶ و ۲۲۱)

کاری بس دشوار و غیر ممکن بود، و سلسلهٔ بنی امیه راه انحرافی در اسلام را آغاز کرده بودند و ...

و در اینجا بود که جملهٔ جابر بن عبدالله انصاری آن صحابی بزرگ پیامبر ﷺ معنا پیدا کرد که: «أَوَّلُ ثُلْمَةٍ فِي الْإِسْلَامِ مَخَالَفَةُ عَلِيٍّ»^۱.

— نفی و اثبات عدالت صحابه از دیدگاه اهل تسنن

الف — اثبات عدالت صحابه

برخی از اهل تسنن نسبت به صحابه خوشبین هستند و همهٔ آنها را (به خصوص ابوبکر و عمر و عثمان) عادل می‌دانند؛ شاید ما نیز اگر به جای آنان بودیم این گونه فکر می‌کردیم؛ چرا که اگر خلیفهٔ پیامبر نه معصوم باشد، نه عالم به امور زمانه، نه شجاع و نه عادل دیگر شایستگی تبعیت ندارد.

اهل سنت اتفاق نظر دارند که تمام صحابه عادل بودند، و در این نظریه مخالفی نیست جز عدهٔ کمی از مبتدعان.

و (آنان که اعتقاد به عدالت جمیع صحابه دارند) قضیه را احاله داده‌اند به فصلی از کتاب «الکفایة فی علم الروایة» خطیب بغدادی که آنجا در اثبات عدالت صحابه گفته است:

از آنجا که خداوند عدالت صحابه را در قرآن تأیید کرده و در آیات زیادی از طهارت و انتخاب آنان خبر داده [؟!]^۲، و نیز احادیث مشهوره‌ای که تعداد آنها زیاد است؛ مقتضای مجموع اینها دلیل بر

عدالت صحابه است.^۱

بنابراین با توجه به اینکه خدا آنان را عادل دانسته، لذا نیازی به عادل شمردن آنان توسط فرد دیگری نیست. اگر در قرآن و روایات پیامبر هم درباره عدالت آنان چیزی نبود، همانا هجرت و جهاد و یاری اسلام آنان و بذل جان و مال و...، دلیل بر عادل بودن آنان می شد و از تمام افراد بعد از خود برتر بودند...^۲

ب - نفی عدالت صحابه

اما در این میان بسیاری از علمای اهل تسنن در گذشته و حال بوده و هستند که وقتی عملکرد بسیاری از صحابه را مورد دقت و تأمل قرار داده اند، به این حقیقت دست یافته اند که عادل و بلا اشکال دانستن تمام صحابه صحیح نیست. و در این جهت موضع خود را نیز اعلام نموده و از طرفداری آنان دست برداشته اند. از جمله ابن حجر اندلسی، قاضی عبدالرحمن ایجی شافعی، امام محمد غزالی و...

۱- ضروری است دانسته شود تمام آیات و روایاتی که خطیب بغدادی بر اثبات عدالت صحابه متذکر شده، تماماً تفسیر به رأی و برخلاف بسیاری از آیات و روایات دیگر است.

۲- اتفق اهل السنة على أن الجميع عدول، ولم يخالف في ذلك إلا شذوذ من المبتدعة، وأحال إلى الفصل الذي كتبه الخطيب البغدادي في «الكفاية في علم الرواية»، عن ثبوت عدالة الصحابة بتعديل الله لهم في القرآن، وإخياره عن طهارتهم، واختياره لهم بآيات كثيرة يطول شرحها، وأحاديث شهيرة بكثرة تعدداتها، وجميع ذلك يقتضي القطع بتعديلهم، ولا يحتاج أحد منهم مع تعديل الله له إلى تعديل أحد من الخلق. على أنه لو لم يرد من الله ورسوله فيهم شيء عن عدالتهم لأوجب الحال التي كانوا عليها من الهجرة والجهاد ونصرة الإسلام، وبذل المهج والأموال و...؛ القطع على تعديلهم، وأنهم أفضل من جميع الخالفين بعدهم، ... - الإصابة في تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلاني، ج ۱، ص ۱۳۲.

و برخی نیز برای فرار از این مخمصه این گونه عنوان کرده‌اند که: ما هرگز نگفته‌ایم تمامی اصحاب رسول الله اهل بهشتند، بلکه فقط اصحاب مذکور در خبر «عشرة مبشرة» را قبول داریم، آن هم به دلیل حدیث پیامبر!

— عملکرد صحابه بعد از پیامبر

با توجه به مطالب فوق، پرداختن به اینکه در زمان خلفای ثلاث و دیگر صحابه چه بدعت‌ها و انحرافات در دین وارد شد؛ چقدر از احادیث نبوی را سوزاندند و محو و نابود کردند؛ چه جعلیاتی به پیامبر نسبت دادند؛ و چه افرادی مرتد شده و از دین برگشتند؛ مجال دیگری را می‌طلبد.

ولی برای اطلاع افرادی که علاقه‌مند بدانند پس از پیامبر، صحابه چه مسیری را پیمودند، می‌توان به پیش‌بینی‌های پیامبر اسلام در این زمینه اشاره کرد که هرگونه شک و تردید را از میان بر می‌دارد:

۱ - ... عن أبي سعيد الخدري عن النبي ﷺ^۱ قال: «لتتبعن سنن من كان قبلكم شبرا شبرا و ذراعا بذراع حتى لو دخلوا جحر ضب تبعتموهم» قلنا يا رسول الله! اليهود والنصارى؟ قال: فمن؟^۲

۱- اهل تسنن جمله دعائی مخصوص پیامبر را «صلی الله علیه و سلم» می‌گویند و به همین صورت نیز در کتب خود ثبت می‌کنند؛ یعنی در واقع لفظ «آل» را حذف می‌کنند؛ اما پیروان اهل بیت عصمت و طهارت بر طبق دستور پیامبر اکرم مبنی بر اینکه هیچگاه بر ایشان صلوات ناقص نفرستند (که روایت آن در صحیح بخاری و مسلم نیز ثبت شده است) به صورت کامل آن را می‌گویند و می‌نویسند: «صلی الله علیه و آله و سلم». و ما در این کتاب فقط به رسم امانت، عبارات انتقالی از کتب اهل تسنن را عیناً و بدون دخل و تصرف نقل کرده‌ایم.

۲- صحیح البخاری، بخاری، ج ۸، کتاب الإعتصام، ص ۱۵۱.

ابوسعید خُدْری می گوید رسول خدا ﷺ فرمود: به درستی که وجب به وجب و ذراع به ذراع روش کسانی که قبل از شما بودند را پیروی خواهید کرد، اگر چه داخل لانه سوسماری رفته باشند!

گفتیم یا رسول الله! منظورت یهود و نصاری است؟ فرمود: پس چه کسی؟

۲ - ... عن ابن عباس قال قال رسول الله ﷺ: «... ثم يؤخذ برجال من أصحابي ذات اليمين وذات الشمال، فأقول أصحابي، فيقال إنهم لم يزالوا مرتدين على أعقابهم منذ فارقتهم.»^۱

ابن عباس از رسول خدا ﷺ نقل می کند: ... سپس فردای قیامت صحابه مرا از راست و چپ می گیرند، می گویم اینها صحابه من هستند، گفته می شود از روزی که تو از آنها جدا شای، اینها به ارتداد و دوران جاهلیت برگشتند.

۳ - ... عن أبي هريرة عن النبي ﷺ قال: «... قال: أنا قائم فإذا زُمرة حتى إذا عرفتهم خرج رجل من بيني وبينهم، فقال ذلك، فقلت أين؟ قال إلى النار والله، قلت ما شأنهم؟ قال إنهم ارتدوا بعدك على أبادهم القهقري، فلا أراه يخلص منهم إلا مثل حمل النعم.»^۲

ابو هریره از پیامبر ﷺ نقل می کند: من، فردای قیامت در کنار حوض ایستاده ام و تعدادی از صحابه می خواهند نزد من بیایند، ولی آنها را از طرف حوض بر می گردانند به سوی دیگر.

من می گویم: اینها را کجا می برید؟

می گویند: به خدا قسم! اینها را به سمت آتش جهنم می بریم.

عرضه می کنم: مگر اینها چه کرده اند؟

۱- همان مصدر، ج ۴، کتاب بدء الخلق، ص ۱۴۲.

۲- همان مصدر، ج ۷، کتاب الرقاق، ص ۲۰۸.

می‌گویند: اینها بعد از تو مرتد شدند و بدعت‌ها گذاشتند و به دوران جاهلیت برگشتند، و از اینها هیچکس از آتش نجات پیدا نمی‌کند، مگر به تعداد هَمَل نعم.^۱

۴ - ... عن العلاء بن المسيّب عن أبيه قال لقيتُ البراء بن عازب رضي الله عنهما فقلتُ طوبى لك صحبة النبي ﷺ و بآيعة تحت الشجرة، فقال يا ابن أخي إنك لا تدري ما أحدثنا بعده.^۲

علاء بن مسیب از پدرش نقل می‌کند که خدمت براء بن عازب رضی الله عنهما رفتم و گفتم: خوشا به حالت! تو توفیق و سعادت صحابه پیامبر اکرم ﷺ را به دست آوردی و در زیر شجره رضوان [در صلح حدیبیه] با ایشان بیعت کردی.

براء می‌گوید: ای پسر برادر! تو خبر نداری که ما چه بدعت‌هایی بعد از او (پیامبر) گذاشتیم.

۵ - ... عن أبي سعيد قلنا له هنيئاً لك بروية رسول الله ﷺ و صحبة! قال إنك لا تدري ما أحدثنا بعده.^۳

به ابو سعید خدری، صحابی رسول خدا ﷺ، گفتند:

خوشا به حالت که پیامبر ﷺ را دیدی و جزء صحابه پیامبر بودی.

گفت: تو خبر نداری که ما صحابه بعد از او (پیامبر) چه بدعت‌هایی را گذاشتیم.

۱- هَمَل نَعَم: یعنی چهار پایان باز بگوشی که معمولاً از گله جدا می‌شوند و تعدادشان اندک است.

۲- صحيح البخاری، بخاری، ج ۵، کتاب المغازی، باب غزوة الحدیبیة، ص ۶۶.

۳- الإصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، ج ۳، ص ۶۷.

حاصل کلام:

با مشخص شدن اینکه دیدگاه علمای اهل سنت دربارهٔ صحابه یکسان نیست و بسیاری از آنان بر این عقیده‌اند که عملکرد صحابه چنین می‌نماید که تعدیل و توثیق آنان به صورت عام و مطلق معقول و منطقی نیست و با کتاب و سنت نمی‌سازد؛

و نیز با توجه به اخبار رسیده مبنی بر گلابیهٔ رسول خدا ﷺ از دست برخی از اصحاب و پیشگویی آن حضرت دربارهٔ مخالفت‌های آنان، و همچنین روایاتی که برخی از اصحاب، اقرار و اعتراف کرده‌اند که بعد از رحلت پیامبر برخلاف دستور خدا و رسول او عمل کرده‌اند؛

به این نتیجه می‌رسیم که تعدیل و توثیق اصحاب به صورت عام برخلاف عقل و منطق و نصوص وارد شده است.

با توجه به این مطلب، اکنون این سؤال مطرح می‌شود که اخبار وارده مشتمل بر فضائل و مناقب اصحاب، چگونه توجیه و تفسیر می‌شود و چه جواب مستندی دارد؟!

پاسخ این سؤال در فصل چهارم به صورت مشروح و مستند داده شده است؛ و به طور خلاصه می‌توان گفت تمام اخبار ناظر بر فضائل و مناقب صحابه به فرمان معاویه جعل شده‌اند، که از آن جمله است همین خبر «عشرة مبشرة» که در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

— این خبر برای نخستین بار از زبان سعید بن زید (یکی از صحابهٔ رسول

خدا ﷻ) در زمان معاویه بن ابی سفیان و در مسجد کوفه بیان شد.

یعنی تا آن زمان حتی کوچکترین اشاره‌ای در این زمینه از سوی هیچ یک از صحابه شنیده نشده بود و در فراز و نشیب‌های فراوان تاریخی پس از رحلت پیامبر نیز هیچ یک به این حدیث نه استناد کرده و نه اشاره‌ای داشته‌اند؛ و یک باره در زمانی که معاویه دستور به جعل احادیث داد، از زبان سعید بن زید و در مسجد کوفه شنیده شد.

شاید از جمله اولین افرادی که جعلی بودن این خبر را اعلام نموده، حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام باشد که در تاریخ ثبت شده است، آنهم در جریان جنگ جمل وقت آن حضرت، طلحه و زبیر را فرا می‌خواند و به آنان گوشزد می‌کند که مگر کسی داند که اصحاب جمل ملعونند؟ و زبیر با استناد به خبر سعید بن زید خرد را بهشتی می‌داند، و حضرت با استدلالی که منحصر به اوست پاسخ زبیر را می‌دهد و این خبر جعلی را تکذیب می‌کند، و با استناد به قول پیامبر اسلام ﷺ بعضی از افراد مندرج در این خبر را در تابوتی از آتش در قعر جهنم معرفی می‌کند.^۱ و اما اینکه چرا علمای اهل تسنن به این گونه اخبار تمسک کرده و می‌کنند، حقیقت آن بر ما معلوم نیست، لیکن بر حسب ظاهر دو دلیل عمده برای نشر و ثبت و ترویج خبر جعلی «عشره مبشره» و مانند آن در کتب اهل سنت می‌توان برشمرد:

۱- شرح کامل این واقعه را در فصل پنجم کتاب ملاحظه فرمایید.

اول اینکه: افراد مندرج در این حدیث همه از صحابه هستند و همان طور که گفتیم چون علمای اهل تسنن آنان را عادل و مجتهد می دانستند، لذا خیلی پیرامون صحت و سقم آن دقت نکرده، بلکه به نوعی منتظر چنین احادیثی که بر قاعده خوشبینی آنها صحه بگذارد بوده اند.

دوم اینکه: چون لفظ «عشرة مبشره» تداعی کننده اسامی گروهی از صحابه بود، است، لذا راویان اخبار و مؤلفان تاریخ اسلام به خصوص شرح حال نویسان، برای راحتی کار در هنگام معرفی افراد مذکور (بی توجه به صحت و سقم آن) این نظر را به کار برده و گفته اند که مثلاً فلانی یکی از افراد «عشرة مبشره» است؛ مثل اینکه می گویند فلانی یکی از افراد «پیمان عقبه» یا یکی از «اصحاب شجره» است و از این تیل، و از روی سهل انگاری آن را در کتب خود تکرار کرده اند. تا جایی که این گونه تعبیرات در بعضی کتب شیعیان نیز وارد شده است.

در پایان بر خود لازم می دانم نکته ای را به مخاطبان گرامی گوشزد کنم و آن اینکه اینجانب در طی سالیانی که در این حوزه کار کرده ام نیک در یافته ام که ما شیعیان نمی توانیم از اهل تسنن انتظار داشته باشیم که با خواندن چنین کتبی که در جهت تنویر افکار عمومی ملت مسلمان منتشر می شوند، یکباره متحول شوند و به شیعیان بپیوندند. (چون آنان طبیعتاً پیرو عالمان و اندیشمندان خود هستند و تا زمانی که آنها بر عقاید خود پافشاری می کنند، پیروانشان نیز دنباله رو آنانند. البته در طول تاریخ تعداد عالمان

سنی که شیعه شده‌اند فراوانند، و آنانی هم که حقانیت تشیع را نپذیرفته، بر مذهب خود اصرار ورزیده و با پیروان قرآن و عترت مخالفت کرده‌اند نیز کم نیستند، که علت آن بر ما معلوم نیست.

با توجه به این موضوع، هدف اصلی از نگارش این کتاب و مانند آن، این است که تعهد و آگاهی پیروان قرآن و عترت را عمیق‌تر و استوارتر سازیم تا در برابر هجمه‌های ظالمانه و جاهلانۀ وهابیت و دیگر فرقه‌های استعماری، دچار شک و تردید نشده، و بدانند که اهل سنت واقعی شیعیان‌اند که با بهره‌گیری از روایات نبوی و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) از پایگاه علمی و منطقی قرآن در مقابل شبهات وارده به دین اسلام و حقانیت اهل بیت عصمت و طهارت بر خود برافراشته‌اند.

و حقیر در این مسیر برای هرچه بهتر و پربارتر شدن آثار علمی و تحقیقی، باب نقد کتاب را برای منتقدان باز گذاشته و از آن استقبال می‌نمایم.

اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنَا بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضٰی

محمدعباس عطائی اصفهانی

۱۸ ذی‌الحجة الحرام ۱۴۳۵

(سالروز عید سعید غدیر خم)

مصادف با ۲۱ مهر ۱۳۹۳

قم المقدسه